

مزابنی نه جدید بی

مقدمه

پژوهش های معاصر تاریخ نگاری در بررسی جریان تجدد و نوآوری در ایران عصر قاجار یا بیشتر به تأثیر تمدن غرب بر روشنفکران و اصلاحگران ایرانی توجه داشته اند یا به اصلاحات اداری و نظامی اصلاحگران عمده ای چون عباس میرزا، میرزا تقی خان امیر کبیر و میرزا حسین خان سپهسالار در قرن نوزدهم.^۱ هدف از این نوشته آن است که با نگاهی به نحوه ورود و کاربرد ماشین آلات ضرب سکه در چارچوب ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی وقت ایران، وجهی دیگر و به همان اندازه مهم از روند نوآوری و تجدد در ایران مؤود توجه قرار گیرد.

می دانیم که ایران در سال های پیش از قرن بیستم در زمینه اعمال اصلاحات فنی و اداری از بسیاری دیگر نقاط خاورمیانه عقب بود. دلایل این عقب ماندگی نیز روشن است و در این زمینه می توان از عواملی چون موانع ناشی از موقعیت جغرافیایی کشور شروع کرد، آنگاه آثار ناشی از ساختارهای سیاسی و اجتماعی ایران را مورد توجه قرار داد، تا بازی های تلخ روزگار. مراکز شهری ایران که به علت رشته جبال رفیع و صحاری پهناور کشور از مسیرهای ارتباطی دریایی محروم می باشند، در مقایسه با مراکز شهری قلمرو عثمانی یا شبه قاره هند، از ارتباط کمتری برخوردارند و به همین دلیل ایران از خاستگاه بسیاری از اصلاحات و نوآوری های روزگار خود، یعنی اروپا دور مانده

بود. جمعیت عشایری گسترده کشور و آسیب پذیری آن در قبال یورش های عشایر مجاور، باعث شد که گرایش های مرکز گریز عمیقی در ایران ریشه گرفته و دستخوش یک نوع بی ثباتی مزمن سیاسی گردد. نقطه اوج بروز و تلافی این گرایش های مختلف، یعنی بحران ناشی از فروپاشی پادشاهی صفوی در ۱۷۲۲ میلادی باعث آن شد که تمامی سعی و تلاش هایی که برای اعاده یک حاکمیت واحد سیاسی و اقتصادی جریان داشت فقط در سال های میانی حکومت قاجار ثمر دهد. قاجارها (۱۹۲۵ - ۱۷۹۶ میلادی) که یک سنت ضعیف اقتدار مرکزی را به ارث برده بودند، هیچ گاه نتوانستند از ایجاد و حفظ موازنه ای شکننده بین گروه های پر تنوع اجتماعی و سیاسی که عشایر و علما یکی از مهم ترین آنها را تشکیل می دادند، گامی فراتر نهند. یکی از عوامل مهمی که در این زمینه در قرن نوزدهم به تدریج از اهمیت فزاینده ای نیز برخوردار شد، نقش حائل ایران بین روسیه و بریتانیا بود که هر دو مایل بودند طرف مقابل را از ارائه و تسهیل اصلاحات ساختاری ای که می توانست به نفع آن طرف باشد، بازدارند. تأخیر حاصله در اصلاحات نظامی، ورود دیر هنگام نشر و معارف جدید و همچنین فقدان اقدامات اساسی در اصلاح و توسعه ارتباطات را تا پیش از قرن بیستم می توان حاصل هریک از این عوامل یا ترکیبی از همه آنها دانست.

در حالی که برای تأسیس ماشین آلات جدید ضرب سکه نه منع و تحریمی دینی وجود داشت و نه رقابتی خارجی مانع از آن بود، ورود این نوآوری به ایران بسیار دیر صورت گرفت. بسیاری از کشورهای اروپای غربی از همان سال های مقارن با قرن شانزدهم، تجاری را در زمینه تأسیس ضربخانه های مکانیزه آغاز کرده و روی هم رفته از قرن هفدهم به بعد ماشین آلاتی دستی را در این زمینه به کار گرفته بودند. فرانسه نخستین پرس های پیچی را وارد کار کرد، حال آنکه انگلستان در سال ۱۶۶۲ ضرب چکشی سکه را پشت سر نهاد. حتی در امپراتوری عثمانی نیز تاریخچه ضرب ماشینی سکه به اواخر قرن هفدهم بازمی گردد. در اواخر قرن هجدهم بود که ضربخانه هایی که با نیروی بخار کار می کردند، اختراع شده و به تدریج در اروپا رواج پیدا کردند. فرانسه نخستین کشوری بود که در این راه گام نهاد. در این بررسی سعی بر آن است که در توضیح علل تأخیر حاصله در ورود وسائل جدید ضرب سکه به ایران در ضمن تأکید بر تأثیر مسائلی کلی تر چون آثار ناشی از آشوب های قرن هجدهم و شکنندگی اقتدار قاجارها در سال های نخست قرن نوزدهم که اصولاً نوسازی ضرب سکه را نامیسره می ساخت، بر علل عینی و ملموس تری چون ایستایی حکومتی و به طور مشخص تر منافع مصادر امر که قدرت و ثروتشان در گرو نظام موجود بود نیز مورد توجه قرار گیرد. متصدیان ضربخانه های مختلف ولایتی و همچنین سرپرست ضربخانه تهران، تعدادی از مقامات عالی رتبه درباری - از جمله شخص شاه - را می توان در زمره گروهی محسوب داشت که از مقاطعه دادن ضربخانه ها منتفع می شدند.

ضرب سفتی سکه

ضرب چکشی سکه، روند سنتی ضرب سکه در ایران بود. و از این رو سکه ها نیز معمولاً از نظر شکل و قطر و اندازه با هم فرق می کردند. نقش روی سکه نیز معمولاً آنقدر نصفه و نیمه ضرب می شد که غالباً لایقراً و حتی ناپیدا بودند. تعداد کمی از سکه ها واقعاً گرد و مدور بودند؛ اغلب آنها بیضی شکل و معیوب بودند و در نتیجه سکه های رایج به سرعت مستهلک شده و با هر دست به دست شدن ارزش خود را از دست می دادند. مقامات دولتی سکه های مستهلک شده را از گردش خارج نمی کردند، بلکه آنها معمولاً توسط کسانی که نگران ارزش کاهش یافته آنها بودند، از دور خارج می شدند.^۳ از آنجایی که دور سکه هایی که به وسیله چکش ضرب می شد، پرداخت نداشته و کج و معوج بود، به سرعت مستهلک شده و وزن خود را از دست می دادند.^۴ تعدادی از جهانگردان خارجی که در آستانه ورود ماشین آلات ضرب سکه از ایران دیدار کرده اند، در گزارش های خود شیوه های سنتی ضرب سکه را نیز توصیف نموده اند. یکی از آنها ویلیام بیتل بنک است که در سال ۱۸۷۲ از ضرابخانه شیواز دیدار و وضع آن را به قراو زبیر توصیف نمود؛ «فلز مورد استفاده به صورت نوارهای بلندی درآمده و بر نوعی سندان قرار می گرفته. بخشی از آن مطابق با وزن و قطر مورد نظر جدا شده و مهر سرسکه مورد نظر روی آن زده می شد و تحت ضربه چکش قرار می گرفت. از آنجایی که در این امر دقت کافی نمی شد، گاه و گداری فقط بخشی از نقش سکه روی آن منعکس می شد.»^۵

روایت فلور، جهانگردی انگلیسی که در سال ۱۸۷۸ میلادی در جریان دیدار از مناطق جنوب شرقی ایران، ضرابخانه کرمان را نیز دید، بیش از آن که بر تواقص کار تأکید داشته باشد، از سرعت و مهارت متصدیان ضرابخانه کرمان حکایت دارد. وی می نویسد: «هنگامی که از ضرابخانه دیدار کردم، ضرب سکه به راه بود. در گوشه ای سعی بر آن بود که توسط نوعی دستگاه چوبی ابتدایی، نقره را به صورت مفتولی ضخیم درآورند و در گوشه ای دیگر از دیو و دینم که با سرعت و مهارتی که فقط در پی تمرین و ممارستی طولانی حاصل می شد، این مفتول نقره را به قطعات کوچک می برید. مرحله بعدی توزین این قطعات بود (و تقریباً همگی نیز میزان بودند). آنگاه آنها را در کوره ای ذغالی که در نزدیکی سندان ضرب سکه قرار داشت می ریختند، و نوبت به مرحله ای از کار می رسید که از همه جالب تر بود. سندان خود از قطعه یک فلز سخت تشکیل شده بود که یک روی نقش سکه را در خود داشت. یکی با انبر در گوشه ای از آن ایستاده بود و کارگری دیگر نیز چکش به دست در گوشه ای دیگر. کارگر اولی یک «قطره» نقره گذاخته را از کوره خارج ساخته و با دقت تمام، درست وسط آن سندان باریک قرار می داد. کارگر دوم نیز تقریباً همزمان مهر سرسکه را روی آن قرار می داد و کارگر سوم نیز ضربه ای بر آن وارد می کرد که فلز را پهن کرده و موجب می شد نقش مورد نظر بر هر دو روی آن ضرب شود. آنها سی و سه یا سی و هشت سکه در دقیقه ضرب می کردند. من در مورد این رقم مطمئن نیستم زیرا رقمی که در یادداشت هایم ثبت کردم اندکی محو شده است.»^۶

اصلاحات اولیه

در همان اوقات که فلوربه نیت نحوه سنتی ضرب سکه مشغول بود، در ایران تلاش هایی آغاز شده که ضرب سکه جنبه ای متمرکز و مکانیزه بیابد. مقامات ایرانی از سال‌ها پیش یا لااقل از سال ۱۸۲۹ میلادی که میرزاتقی خان فراهانی (امیرکبیر بعدی) در بخشی از دیدار رسمی خود از روسیه، ضرابخانه سن پترزبورگ را نیز مورد بازدید قرار داد، با شیوه‌های جدید ضرب سکه آشنایی داشتند.^۷ ضرب سکه خود از مدت‌ها قبل راه تغییر و دگرگونی در پیش گرفته بود. در همان سال‌های نخست پادشاهی فتحعلیشاه قاجار (۱۸۳۴-۱۷۹۷ میلادی) بسیاری از ضرابخانه‌های ایران ضرب ماشینی سکه را آغاز کرده بودند. برخی از این ماشین‌آلات فقط فلز را به صورت مدور آماده ضرب می‌ساختند و برخی نیز بر همان ضرب ناهموار شیوه‌های سنتی نشانی برجای می‌گذاشتند که مبین نوعی ضرب ماشینی بود.^۸ اکثر قریب به اتفاق این نوع سکه‌های دوران گذر، در ضرابخانه‌های شهرهای شمالی ایران مانند رشت و تبریز ضرب شده بودند که خود گویای نوعی نفوذ روسی در زمینه ماشین‌آلات و مهارت به کار گرفته شده بود. برای مثال می‌توان به برخی از سکه‌های چرخ‌ش اشاره کرد که در سال ۱۸۰۶ میلادی در تبریز ضرب شدند.^۹

نخستین اقدام دولت مرکزی در استفاده از ماشین‌آلات ضرب سکه سال‌ها بعد، در اوایل دهه ۱۸۶۰ میلادی صورت گرفت. این تلاش اولیه در اصلاح نظام مالی را باید در چارچوب مسائل ساختاری اقتصادی و بحران مالی ای نگریست که در آن زمان ایران را فراگرفته بود. در این دوره فعالیت‌های نوین تجاری در ایران برای توسعه حوزه کار خود با دشواری‌های فراوانی روبرو بود. درجایی که هیچ‌گونه اسکناسی کاربرد نداشت، تمام معاملات باید توسط مسکوکات صورت گیرد. مسکوکات رایج نیز معمولاً بنا به محل ضرب خود، از ارزش متفاوتی برخوردار بودند. قران نقره ای که در این ایام در تبریز ضرب می‌شد، از ارزش بالایی برخوردار بود، حال آن‌که سکه‌های ضرب استرآباد، در نوع خود بی‌ارزش‌ترین مسکوکات ووزگار خود محسوب می‌شدند.^{۱۰} ذخیره مسکوکات توسط ثروتمندان و طلا و نقره هنگفتی که در خزاین سلطنتی گرد آمده بود، خود از جمله مسائل دیرینه ای بود که معمولاً به کسب مسکوکات رایج در حیات اقتصادی کشور منجر می‌شد. کسری تراز تجاری مزمن ایران با جهان خارج نیز خود یکی دیگر از این مسائل بود. مدیریت مالی کشور در زمان محمدشاه قاجار (۱۸۲۸-۱۸۳۴) و نیز بعد از آن نیز بر وخامت وضع افزودند. این دشواری‌ها بر وضعیت هر سه فلز به کار برده شده در مسکوکات ایران تاثیر نهاد. فشار تورم بیش از هر چیز خود را به صورت بی‌ارزش شدن مسکوکات مسی نشان داد.^{۱۱} از آنجایی که بهای نقره در ایران در مقایسه با ارزش آن در بازارهای جهانی پایین بود، حجم مسکوکات نقره ای که در ایران گردش داشت، به نحو فاحشی تنزل کرد. مسئله مسکوکات طلا آن بود که عیار آنها مورد بررسی قرار نگرفته بود. براساس قانون گریشام، سکه‌های طلا با سرعت بسیار از دور خارج می‌شد. علاوه بر این

«هرآن که می توانست از گوشه و کنار سکه های طلا می زد» و به انحاء مختلف بخش هایی از آن را جدا می کرد.^{۱۲}

واکنش دولت در قبال این مسائل، واکنش یک دستی نبود، ولی از آنجایی که مسائل اصلی مورد توجه قرار نگرفت، در آخر هیچ یک از این اقدامات شمر ثمر واقع نشد و تا حدودی نیز بر دامنه مشکلات موجود افزود. با کاهش فاحش میزان مسکوکات نقره در گردش در سال ۱۸۵۷، دولت وادار شد که وزن قران نقره را که رایج ترین سکه ایران در آن روزگار بود، به ۱.۲۴ مثقال (۳.۷۸۱۲۵ گرم) کاهش دهد.^{۱۳} در همان سال سعی شد با یکسان سازی سکه های مسی، در این زمینه نیز اصلاحاتی به عمل آید. معهذ این اقدام به بهبود وضع مسکوکات مزبور منجر نشد و تنها بر اغتشاش موجود افزود. هنگامی که در سال های نخست دهه ۱۸۶۰ کشور را قحطی فرا گرفت و در نتیجه تهران نیز شاهد رشته شورش هایی شد در اعتراض به این وضع، وضعیت مالی کشور بیش از پیش خراب شد.^{۱۴} کاهش ارزش مسکوکات نقره کماکان ادامه یافت و در کنار آن عیار و بدینترتیب ارزش مبادله ای قران نیز تا سال ۱۸۶۳ به نحوی سریع رو به تنزل نهاد.^{۱۵}

تقاضای کمک از اروپایی ها برای اصلاح ضرب سکه که از همان سال های نخست دهه ۱۸۶۰ آغاز شده بود، بخشی بود از یک جریان گسترده تر اصلاحی که در زمینه های اجتماعی، آموزش و زیربنایی جریان داشت. بخش عمده اصلاحاتی که در ادوار قبلی صورت گرفت، بیشتر سردستی و منقطع بود و اکثرآ به امور نظامی محدود می شد. در سال های دهه ۱۸۶۰، نه فقط این اصلاحات جنبه هماهنگ تری گرفت که حوزه تأثیر آنها نیز گسترش یافته در عرصه های آموزشی و زیربنایی و شهری نیز موجب تغییراتی شد.^{۱۶} با توجه به رثوسن اصلاحاتی که مدنظر بود، احراز بیش از پیش اقتدار مرکز و اصلاحات مالی از اولویت خاصی برخوردار شد. میرزا ملکم خان که از اصلاح طلبان برجسته عصر خود بود، از جمله کسانی محسوب می شد که با تأکید بر این جنبه از اصلاحات، خواهان تأسیس یک بانک دولتی و ضرابخانه دولتی شد.^{۱۷} متأسفانه در مورد تحولاتی که به استخدام متخصصین و ماشین آلات اروپایی ضرب سکه منجر شد و همچنین مراحلی که به اخذ این تصمیم انجامید، اطلاعات قابل توجهی در دست نیست. با توجه به وضعیت اقتصادی نابسامان کشور، پادشاه که از لحاظ سنتی حافظ یک نظام پولی یکسان نیز به شمار می رفت، ظاهراً متوجه شد - یا درباریان وی را متوجه ساختند - که یک بحران اساسی در کار است و نظام مالی کشور محتاج یک اصلاح عاجل.^{۱۸} تأسیس بانک ملی یکی از طرح هایی بود که در این زمینه مطرح شد و آدولف دهرتر «از اجزای موسسه آبنهایم» برای این منظور از وین به تهران آمد. گفته می شود که شخص مذکور پس از چند ماه اتلاف وقت که صرف مذاکرات بی نتیجه شد، ایران را ترك كرد و به اروپا بازگشت.^{۱۹}

در یکی از گزارش های انگلیسی آمده است، هنگامی که این بانکدار اطریشی ایران را ترك گفت، یکی از متخصصین مالی فرانسه که همزمان با وی به ایران آمده بود، در تهران ماند.^{۲۰} نماینده

فرانسه در ایران در سال ۱۸۹۶ در این زمینه نوشت که شاه حدود شش سال پیش به این نتیجه رسیده بود که شاید بهتر آن باشد سکه های جدیدی را مطابق با عیاری که در اروپا رایج بود، ضرب کند و به همین دلیل حسن علی خان نماینده ایران در پاریس از حاجی حسین خان مشاور سفارت خواست با مسیو داوُس که برای مدتی مدیریت ضربخانه های روتن، پاریس و استراسبورگ را بر عهده داشت، قراردادی در این زمینه منعقد سازد. بر اساس مفاد این قرارداد مسیو داوُس می بایست، ۱) ضربخانه ای در تهران دایر کند؛ ۲) سکه هایی مطابق با عیار رایج در اروپا در ایران ضرب کند؛ ۳) دو تن از پسرانش را به عنوان سرکارگر با خود همراه بیاورد. برای داوُس ماهی ۲۰،۰۰۰ فرانک فرانسه نیز مقرری برقرار گردید.^{۲۱}

برای احداث ضربخانه طرح هایی از پاریس ارسال شد و ماشین آلات لازم نیز از همان شهر، از سه کارخانه کاپیل، گورتر و دنیل خریداری شد.^{۲۲} در منابع فرانسوی بهای ماشین آلات مزبور ۲۵۰،۰۰۰ فرانک ذکر شده است.^{۲۳} فرستاده بریتانیا در تهران در گزارش خود از این موضوع بهای ماشین آلات مزبور را ذکر نمی کند ولی مدعی است «مبلی» که برای این منظور معین شد حدود نصف قیمت بهای بهترین ماشین آلات بود.^{۲۴} نوع این ماشین آلات در هیچ یک از گزارش های آن دوره مشخص نشده ولی به احتمال قوی دستگاه مرسوم به «تونلیه» بوده است.^{۲۵} این دستگاه که در سال های دهه ۱۸۳۰ اختراع شد، در ۱۸۴۷ به صورت تجارتي در بازار عرضه شد و در ده سال بعد نیز به بسیاری از کشورهای که ضرب ماشینی سکه را اتخاذ کردند، صادر شد.^{۲۶}



انتخاب یک متخصص فرانسوی امر شگفتی نبود. نه فقط در آن ایام پاریس به عنوان خاستگاه بسیاری از اختراعات جدید شهرت داشت، ماشین ضرب سکه موسوم به بولتون که در اواخر قرن هجدهم وارد کار شد، نیز همانند دستگاه ضرب تونلیه، طرحی فرانسوی بود.^{۲۷} علاوه بر این، در این دوره که با جنگ‌های ایران و انگلیس بر سر هرات (۱۸۵۷-۱۸۵۶) و مراحل بعدی آن مقارن است، روابط نزدیکی میان ایران و فرانسه وجود داشت. در سال ۱۸۵۵ ایران و فرانسه یک قرارداد تجاری و دوستی منعقد ساختند و دو سال بعد فرخ خان امین الملک (امین الدوله بعدی) برای تأیید این توافق به پاریس سفر کرد.^{۲۸} ملموس‌ترین نتیجه حاصل از این توافق اعزام یک هیئت نظامی به ایران (پس از بحران هرات) و سرآغاز اعزام منظم دانشجویان ایرانی به مدارس فرانسه بود. افسران فرانسوی هیئت مذکور که در سال ۱۸۵۸ به استخدام دولت ایران درآمده بودند در ۱۸۵۹ وارد کشور شده و تا سال ۱۸۶۷ در ایران ماندند. روس (Rous) و لوتیه (Lautier) دو تن از اعضای این هیئت، نخستین کسانی بودند که در ۱۸۶۱ برای نخستین بار ضرب ماشینی سکه‌های طلا را نیز آغاز کردند.^{۲۹}

حسن علی خان گروسی که طرح اعزام گروهی را برای اصلاح ضرب سکه در ایران پی ریخت، در فاصله سال‌های ۱۸۵۸ تا ۱۸۶۵ نماینده ایران در پاریس بود. وی که به «دکتر تمدن اروپایی» شهرت داشت، ظاهراً بر این اعتقاد بوده است که «نخبه‌گان جوان ایرانی که در مدارس و کارگاه‌های ما آموزش وافیه ببینند، نماینده علم و صنعت خواهند بود.»^{۳۰} وی یکی از نخستین اصلاح طلب‌های ایرانی محسوب می‌شد.

داوُس و پسرانش احتمالاً تا سال ۱۸۶۷ در ایران ماندند. چنین به نظر می‌آید که آنها نیز در همان سال با دیگر مستشاران فرانسوی، بدون اخذ نتیجه‌ای به کشور خود بازگشته بودند.^{۳۱} در منابع موجود در مورد علل ناکامی داوُس و این که چرا نتوانست به حداقلی از اصلاحات لازم در امر ضرب سکه نائل شود، توضیحی ملاحظه نشد. گفته می‌شود هنگامی که به تهران رسیدند، متوجه شدند طرحی که قبلاً برای تأسیس ضربخانه ارسال داشته بودند، وجود ندارد. ظاهراً آنها دست‌آورد او طرح و تهیه سرسکه‌هایی بود که چندی بعد جانشین اطریش او در ضرب سکه‌های جدید برای ایران، مورد استفاده قرار داد. احداث ساختمانی که می‌بایست ضربخانه جدید را در خود جای دهد با دشواری‌های فراوانی روبرو شد. حدود چهل هزار فرانک خرج شده بود ولی به علت کمبود پول، کار احداث ساختمان متوقف شد. نماینده فرانسه در ایران در ادامه گزارش فوق‌الذکر خود افزود که در حال حاضر «وضع بر همان منوال است و عمارت [ضربخانه] که حتی هنوز سقف هم ندارد، کاملاً از دست رفته است.»^{۳۲}

تردید نیست که گذشته از این مسائل تدارکاتی، نفس ورود خانواده داوُس به تهران نیز باید از جانب کسانی که از لحاظ سنتی مصدر امر ضرب سکه بودند یا اصولاً کسانی که با هرگونه نوآوری مخالف بودند نیز - حال اگر نگوئیم با خصومت - لااقل با نگرانی‌هایی روبرو شده باشد. در عین حال

که سال‌های دهه ۱۸۸۰ سرآغاز نوعی اصلاحات هماهنگ در ایران بود، سال‌های به قدرت رسیدن تنی چند از مخالفان سرسخت اندیشه‌های جدید نیز بود. یکی از آنها میرزایوسف‌خان مستوفی‌الممالک بود که دشمن سرسخت میرزا حسین‌خان سپهسالار محسوب می‌شد.^{۳۳} و دیگری نیز دوستعلی‌خان معیرالممالک.^{۳۴} در یکی از منابع ایرانی به منافع سرشار دوستعلی‌خان از شیوه‌های سنتی ضرب سکه اشاره شد و این که احتمالاً این امر در مورد استفاده قرار نگرختن ماشین‌آلات جدید موثر بوده است.^{۳۵} این که دوستعلی‌خان تا چه حد در این امر موثر یا موفق بود خود یک موضوع است و این که وسایل ضرب سکه سفارشی از فرانسه تا چندین سال بعد به تهران نرسید، خود موضوعی دیگر. این وسایل که با مخارجی بالغ بر ۶۰۰۰۰ فرانک از طریق روسیه حمل شد، توسط کشتی از دریای خزر به بندرانزلی رسید ولی از آنجا فراتر نرفت. اگوستوس مونسی که در ۱۸۶۶ از انزلی عبور کرد در این مورد نوشت فرانسوی‌هایی که قرار بود بر این ضرابخانه جدید نظارت کنند . . . به تهران رسیده و ماشین‌آلات نیز وارد دریای خزر شد. کشتی بخاری کهنه‌ای که آن را حمل می‌کرد، هیزم تمام کرد و جعبه‌های چوبی و سایل مزبور را بجای سوخت به کار برد تا به انزلی رسید. در انزلی دیگ بخار، چرخها و تمامی ابزار ظریفی که می‌بایست برای ضرب سکه به کار رود، در شن‌های ساحلی تخلیه شدند. در این میان ساختمانی که برای نصب آنها در تهران در دست‌اخذ بود رو به اتمام نهاد و دستور حمل ادوات مزبور به پایتخت صادر شد. ولی اینک - و نه قبل از آن - کاشف به عمل آمد حتی به کمک فیل‌شاه نیز نمی‌شد آنها را حمل کرد.^{۳۶}

دیده‌های فون سیدلیتز جهانگرد دیگری که سال بعد از انزلی دیدار کرد نیز مؤید ملاحظات مونسی است، او هم ابزار و وسایل مختلفی را دیده که در اطراف بارانداز پراکنده بودند. حجم و وزن فوق‌العاده آنها و شرایط بد راه‌های ایران انتقالشان را به تهران غیرممکن ساخته بود.^{۳۷} بنا به روایتی دیگر در اواخر همان سال بالاخره ماشین‌آلات مزبور به تهران حمل شد و داووس نیز سه سال بی‌حاصل را صرف راه‌اندازی آنها کرد.^{۳۸} براساس گزارش یکی از جراید آن دوره، فقط در سال ۱۸۷۰ بود که بالاخره وسایل مزبور به تهران رسیدند.^{۳۹}

رسال جامع علوم انسانی

هیئت اطریشی، ۱۸۷۳

اگرچه از مأموریت و ناکامی‌های داووس در اصلاح امر ضرب سکه اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی در عوض از تلاش‌های دیگری که بعد از او در این زمینه آغاز شد، اطلاعات بیشتری موجود است که از جهتی گویای دشواری‌های فراوانی است که داووس یافت. ادامه مشکلات حاد مالی که تحولات بین‌المللی جاری در زمینه امور پولی نیز بر آن دامن زده بود، زمینه اصلی اقدامات بعدی ایران در اصلاح ضرب سکه شد. ادوار پی‌درپی قحط و غلاء که از اواسط دهه ۱۸۶۰ ایران را فرا گرفت، با قحطی وحشتناک سال‌های نخست دهه ۱۸۷۰ که به مرگ هزاران تن منجر شد، به نقطه اوج

خود رسید، پدیده‌ای که حیات اقتصادی بخش‌های پهناوری از ایران را مختل ساخت. همزمان با این مشکلات آفات و امراض گوناگون صنعت نوغان ایران را در هم پیچید و بخش مهمی از درآمدهای حاصل از صدور ابریشم از دست رفت و ایران مجبور شد برای پرداخت بهای کالاهایی که از اروپا وارد می‌کرد، پرداخت‌های نقدی خود را افزایش دهد.^{۳۰} در نتیجه مقادیر مشابهی از اندوخته طلائی کشور خارج می‌شد. دلیل دیگر کم شدن طلا، به هم خوردن تناسب موجود میان تومان طلا و قران نقره بود. در حالی که نسبت رسمی طلا به نقره (مطابق با معیارهای اروپایی) ۱۵ به ۱ بود، بر اثر تنزل ارزش قران این تناسب به ۱۴ به ۱ تبدیل شد. تغییر ارزش طلا و نقره در بازارهای جهانی نیز در این امر تأثیر نهاد. در سال ۱۸۵۰ بسیاری از ملل جهان در جهت انتخاب طلا به عنوان معیار پول خود حرکت می‌کردند، که نهایتاً در سال‌های دهه ۱۸۷۰ به صورت معیار رسمی بسیار مهمی از کشورها درآمد. در نتیجه این تغییرات بهای طلا افزایش یافت و شکل مسکوک آن به تدریج در ایران از گردش خارج شد، به نحوی که عملاً مسکوکات رایج در کشور به سکه‌های نقره محدود شد.^{۳۱} مشکلات مالی ایران، به ویژه تقلب‌هایی که در ضرب سکه‌های نقره صورت می‌گرفت، تا بدان حد گسترده شد، که اندوخته نقره کشور نیز به تدریج خارج شد. همان‌گونه که یکی از ناظرین امر اظهار داشت: «مسکوکات طلا برای ورود کالاهای صنعتی وارداتی صادر شده بود و چنین به نظر می‌آید که نقره نیز راه مشابهی در پیش گرفته است.»^{۳۲}

واکنش دولت قاجار در قبال این تحولات کماکان سست و بی‌رسم بود. در ۱۸۶۵ به دربار شکایت شد که سکه‌های نقره‌ای که تحت نظارت معیروالممالک در تهران، تبریز و شیراز ضرب می‌شد، پانزده درصد از ارزش خود را از دست داده‌اند. ولی نه تنها حسن علی خان معیروالممالک مورد بازخواست قرار نگرفت، بلکه هنگامی که پسرش دوستعلی خان، یکی از دختران شاه رانیز به همسری گرفت موقعتش مستحکم تر از پیش شد. چندی بعد ضرب سکه‌های سه ضرابخانه فوق‌الذکر به مبلغ ۵۰۰۰۰ فرانک فرانسه (۲۱۶۶۶ تومان) به مقاطعه گذاشته شد.^{۳۳} دولت که صدور سکه‌های نقره را به روسیه ممنوع کرده بود، در سال ۱۸۶۷ سعی کرد به صدور طلا نیز پایان دهد ولی در این امر توفیقی حاصل نکرد.^{۳۴}

در حالی که مسائل اقتصادی زمینه اصلی این تحولات را تشکیل می‌داد، تلاش‌هایی که برای اصلاح ضرب سکه جریان داشت خود بخشی بود از یک تلاش گسترده‌تر برای یک رشته اصلاحات فراگیر. اصلاحاتی که در این دوره تحت هدایت میرزا حسین خان سپهسالار که در ۱۸۷۱ به صدارت عظمی منصوب شده بود، جریان داشت. میرزا حسین خان که با ملکم خان در مکاتبه بود، بنیانگذار دگرگونی‌های بسیاری گشت که هدف از آن کاهش اختیارات حاکمان و والیان اطراف و بدینوسیله افزایش اختیارات مرکز و همچنین پایان دادن به فساد حاکم بود. اگرچه وی در پی اعطای امتیاز معروف رویتز، در ۱۸۷۳ از منصب خود عزل شد ولی نفوذ وی در دربار برجای ماند و شاه کماکان

تحت تاثیر خواسته های اصلاح طلبانه او قرار داشت. دیدار ناصرالدین شاه از پایتخت های اروپایی در ۱۸۷۳ در طرح مجدد موضوع ضرابخانه تاثیر مستقیمی داشت. یکی دیگر از آثار این سفر، تلاشی بود برای تجدید سازمان هیئت دولت به سبک و روالی اروپایی و همچنین شروع رشته اصلاحات گسترده (و در عین حال مستعجلی) که تنظیمات حسنه نام گرفت. این اصلاحات براساس تنظیمات عثمانی شکل گرفته بود. تجدید سازمان امور حقوقی، دواير مالی و مسائل اداری از جمله مواردی بود که در این برنامه های اصلاحی مورد توجه قرار داشت.^{۲۵}

ناصرالدین شاه در سفر روسیه از ضرابخانه سن پترزبورگ نیز دیدار کرد و در پاریس نیز از ضرابخانه آنجا. هر دوی این ضرابخانه ها به افتخار دیدار او سکه هایی ضرب کردند.^{۲۶} اگرچه شاه در جریان سفرش به اروپا فقط از ضرابخانه های روسیه و فرانسه دیدار کرد، ولی دولت برای جلب کمک فنی و اداری در این زمینه با اطریش وارد مذاکره شد. ایرانی ها در سنوات پیشین نیز برای انجام پاره ای از اصلاحات، از جمله تأسیس و اداره دارالفنون، نخستین موسسه آموزشی نوین ایران، با اطریش ها وارد همکاری شده بودند. یوهان پولاک، یکی از این مستشاران اطریشی اینک در مقام پزشک مخصوص شاه خدمت می کرد و البرت ژوزف کاستیکر که در سال های دهه ۱۸۶۰، رشته اقداماتی را در تسطیح و اصلاح راه های ایران آغاز کرده بود، از چنان محبوبیتی برخوردار بود که رسماً لقب خان گرفته بود. چنین به نظر می آید ناصرالدین شاه که در خلال دیدارش از وین با فرانز ژوزف امپراطور اطریش نیز مناسبات دوستانه ای برقرار کرده بود.^{۲۷}



هیئت مستشاری اطریش که در ۱۸۷۴ راهی ایران شد، قرار بود که گذشته از نوسازی ضرابخانه یک نظام پستی نیز برقرار سازد. در حالی که گوستاوریبدر فون داخسبرگ مأمور تأسیس اداره پست شد، فرانز پشان مُن پراگنیرگ، مدیر ضرابخانه سلطنتی وین نیز مسئولیت اصلاح ضرب سکه را در ایران عهده دار شد.^{۴۸} هیئت مستشاران اطریش در ژانویه ۱۸۷۵ به ایران رسید. محلی که برای ضرابخانه معین شده بود، کارخانه پنبه‌ریسی متروکی بود که در فاصله یک ساعتی تهران قرار داشت این کارخانه یادگار اصلاحات اقتصادی دوران امیرکبیر محسوب می‌شد که در حوالی سال ۱۸۶۵ تعطیل شده بود.^{۴۹} احتمالاً همان ساختمان بود که در سال‌های دهه ۱۸۶۰ نیز برای احداث ضرابخانه منظور شده بود. هنگامی که هیئت مستشاری اطریش به کارخانه مزبور رسید، بخشی از ماشین‌آلات ضرابخانه را که بالاخره در ۱۸۷۰ به تهران رسیده بود، دیدند که در حیاط کارخانه افتاده است و مابقی ابزار و آلات نیز در اطراف‌های مختلف کارخانه بود. برخی از وسایل سنگین‌تر نیز در خاک فرو رفته و زنگ خورده بود. تمامی قطعات و بیج‌های مفرغی این وسایل مفقود شده بود. نقشه تأسیسات، ابزار حکاکی و دیگر ملزومات کار که فرانسوی‌ها با خود آورده بودند نیز مفقود شده بود.^{۵۰}

اطریشی‌ها در مواجهه با چنین وضعیتی و همچنین امتناع ایرانیان از خرید وسایل جدید، جز حداکثر استفاده از وسایل موجود راه دیگری در پیش نداشتند. خوشبختانه پشان دستیار توانایی داشت به نام اُبریا که از تجارب جوشکاری و آهنگری فراوانی در ایالات متحده برخوردار بود. مهارت او به انضمام کمک و راهنمایی برخی از مکانیسین‌های اروپایی که از ایران عبور می‌کردند، هیئت اطریشی را قادر ساخت که در عرض چند سال ضرابخانه را به راه اندازد. میرزاعلی‌خان امین‌الملک (که بعدها امین‌الدوله لقب گرفت) نیز که هم‌زمان با ورود پشان اعتبار ضرب سکه را در تهران گرفته بود، در این امر آنها را یاری داد. میرزاعلی‌خان که در آغاز نسبت به این اقدامات سوءظن داشت، پس از مدتی نظر خود را عوض کرد و در راه کمک به تأسیس ضرابخانه چنان پیش رفت که حتی در شهری که در ۱۸۷۸ به اروپا داشت برخی از قطعات مورد نیاز ضرابخانه را نیز خریداری کرده.^{۵۱}

مشکلاتی که هیئت اطریشی در پیش روی یافت فقط به زنگ زدگی ماشین‌آلات، فقدان قطعات کار و کمبود مهارت‌های فنی مورداً نیاز محدود نبود. چنین به نظر می‌آید که گذشته از میرزاعلی‌خان امین‌الدوله، از سوی دیگر مقامات ایرانی کمک و مساعدت چندانی در کار نبوده است. هرماه پشان مجبور بود که برای پرداخت دستمزد کارگزارانش، از مقاماتی که نمی‌فهمیدند چرا راه انداختن ضرابخانه این قدر به طول انجامیده است، عملاً گدایی کند. شاه که در این مرحله به این اعتقاد رسیده بود که این متخصصان جز در پول و خرج تخصص دیگری ندارند، احتمالاً فقط به علت نگرانی از عواقب دیپلماتیک کار، آنها را باز پس نفرستاد.^{۵۲} آرنولد، یکی از جهانگردان انگلیسی که در این دوره از ایران دیدار کرد، برخی از دشواری‌هایی را که اطریشی‌ها در اصلاح کار ضرابخانه تجربه می‌کردند، چنین بیان می‌کند: «در طول اقامت ما در ایران شاه دو تن از مقامات اطریشی را در

خدمت داشت، که در میان خشم و انزجار درباری‌ها به ترتیب امور مالی اشتغال داشتند. یک سال بود که در ایران بودند و چنان در کار این فرنگی‌های منفور کارشکنی شده بود که اقداماتشان هیچ حاصلی به بار نیاورده بود.^{۵۳}

بالاخره پس از دو سال کار، اطریشی‌ها توانستند ماشین ضرب سکه را که با بخار کار می‌کرد و می‌توانست دقیقه‌ای چهل و پنج سکه ضرب کند به مرحله بهره‌برداری برسانند.^{۵۴} نخستین سکه‌هایی که در ۱۸۷۶ توسط این دستگاه ضرب شد عبارت بود از تعدادی از سکه‌های طلا و نقره که نقش آنها توسط داوُس حکاکی شده بود. یک روی آن تاریخ ۱۲۸۱ (۱۸۶۴ م)، نشان شیر و خورشید و رقم ده هزار دینار را داشت و روی دیگرش نیز عبارت السلطان ناصرالدین شاه قاجار.^{۵۵}

پشان پیش از آن که به ضرب سکه‌های رایج دست زدند، با ضرب تعدادی مدال طلا و نقره و برنز به مناسبت سی‌امین سال پادشاهی ناصرالدین شاه، مهارت خود را در این زمینه نشان داد. این سکه‌ها بعنوان هدیه به مقامات عالی رتبه و نمایندگان کشورهای اروپایی در ایران هدیه داده شد. تاریخ ضرب آنها ۱۲۹۴ قمری بود و عبارات «بادگار قدوم شاهنشاه ناصرالدین خلدالله ملکه و افتتاح ضربخانه جدید دولتی» بر یک روی آن و نقش شیر و خورشید نیز روی دیگرش ضرب شده بود.^{۵۶} معلوم نیست که ضرب این مدال‌ها به توصیه پشان صورت گرفته بود که شاید تصور می‌کرد از این راه به جلب بیشتر حسن ظن شاه نایل آید و یا فکر خود شاه بود که در دیدارش از ضربخانه پاریس، مدال یادبودی نیز به افتخار دیدارش از پایتخت فرانسه، ضرب و تقدیم شده بود.

در ۲ جمادی‌الآخر ۱۲۹۴ (۱۴ ژوئن ۱۸۷۷) ضربخانه جدید دولتی با حضور شاه و طی مراسمی افتتاح شد. سطح انتظارات بالا بود. همه امید داشتند که با افتتاح ضربخانه در کل امور ضرب سکه کشور اصلاحاتی صورت گیرد و تمامی سکه‌هایی که در ایران در گردش بود و بخشی از آن نیز توسط ضربخانه‌های ولایتی ضرب شده بود گردآوری شده و از نو توسط ضربخانه مرکزی تهران ضرب شوند.

ولی اصلاحاتی که انتظار می‌رفت، چنان هم سهل و آسان نبود. همان گونه که از گزارش سال ۱۸۷۸ فلوریز از ضربخانه کرمان برمی‌آید و همچنین وجود سکه‌های چکشی ضرب سال‌های مختلف تا ۱۸۸۰، خود مبین آن است که ضرب سکه در ولایات برای مدتی همچنان ادامه یافت. علاوه بر این ضربخانه نوپای تهران در کار خود با دشواری‌های دیگری نیز روبرو بود. ضرب سکه کار پر منفعتی بود و گروه‌های ذی نفع، از شاهزادگان قاجار گرفته تا والی‌های ولایات هیچ یک حاضر نبودند منافع و امتیازات خود را به این سادگی از دست بدهند. مشیرالدوله و میرزا علی‌خان که هر دو از هواداران سرسخت اصلاحات بودند در این راه با مخالفت گروهی از مقامات عالی رتبه کشور روبرو بودند مانند میرزا یوسف خان فوق‌الذکر و آقاابراهیم امین‌السلطان که از قدرت و نفوذ چشمگیری برخوردار بودند، طولی نکشید که ورق به نفع مخالفین اصلاحات برگشت.^{۵۷}

یکی از نخستین آثار مخالفت های موجود خود را به این صورت نشان داد که کل برنامه های اصلاحی پیشنهادی در عرض مدت زمانی کوتاه به ضرب یک رشته سکه های مسی تقلیل یافت. میرزا علی خان امین الدوله و پشان پیشنهاد کرده بودند که مبنای اصلاح مسکوکات نقره را بر یک نظام جدید مسکوکات مسی مبتنی سازند. ولی قرار بر آن بود که سکه های جدید مسی فقط در تطابق با حوائج فوری مردم ضرب شود.^{۵۸} در حالی که در فاصله ژوئیه ۱۸۷۷ تا مارس ۱۸۷۸ پشان بیش از چند هزار سکه طلا و نقره ضرب نکرد، در کنار آنها حدود شش میلیون سکه مسی، شاهی و نیم شاهی ضرب کرد که نقش روی آنها را شارف اطریشی حکاکی کرده بود.^{۵۹} مع هذا حتی مقدار سکه های مسی ای که قرار بود ضرب شود نیز در آغاز کمتر از میزان پیش بینی شده بود. ضربخانه به جای ۵۰۰۰ کیلوگرم مسی که قرار بود بر مبنای آنها عمل کند، در آغاز وادار شد با همان ۷۵ کیلوگرم موجود شروع کند. پشان به شاه نیز عارض شد ولی عرایضش به جایی نرسید. آقا براهیم خان امین السلطان، که در این ایام وزارت دربار، گمرکات و خزانه را در دست داشت، استفاده از غیبت میرزا علی خان که برای تدارک سفر دوم شاه به اروپا رفته بود، ناصرالدین شاه را واداشت که با انتصاب حاج محمد حسن اصفهانی - یکی از بستگانش - به ریاست ضربخانه موافقت کند. حاج محمد حسن اصفهانی که در این میان امین الضرب هم لقب گرفت به جای آن که مانند میرزا علی خان امین الدوله در برابر ضرب بی حساب مسکوکات مسی مقاومت کند، در توسعه روند ضرب مسکوکات مسی منافع سرشاری نیز سراغ کرد. وی در عین حال که برای تأمین مس مورد نیاز ضربخانه برای ضرب مسکوکات جدید اقدامات لازم را به عمل آورد، به شاه پیشنهاد کرد که ارزش سکه های شاهی رایج را به نصف تقلیل دهد. حاج محمد حسن با خارج کردن سکه های مزبور از گردش و ضرب سکه جدید که نصف سکه های قدیم وزن داشتند، این برنامه را عملی ساخت. گفته شد که حاج محمد حسن امین الضرب و حامی دزبازی اش امین السلطان از این رهگذر منافع هنگفتی به جیب زدند.^{۶۰} بنا به گزارش نماینده فرانسه در ایران در سال ۱۸۸۵، دولت از ضرب سکه های جدید بیش از سیصد درصد نفع برد.^{۶۱}

ضرب سکه های طلا و نقره از این هم کمتر پیش رفت. شاید دلیل آن که جز مدال های یاد بود، مسکوکات طلای قابل توجهی ضرب نشد، کمبود طلا بود. برای مسکوکات تومان و قران نقره نیز قرار شد عیاری مطابق با فرانک فرانسه اتخاذ شود. از لحاظ رسمی ارزش تومان پس از تحولاتی که در خلال قرن نوزدهم به خود دید، به میزانی معادل سه چهارم مثقال یا ۳.۴۲۲۵ گرم تقلیل یافته بود. بنابراین تومانی به عیار نود و شش درصد طلا از وزنی معادل ۳.۳۰۴۸ گرم و ارزشی مطابق با ۱۱.۳۸۳۲ فرانک برخوردار بود. ولی از آنجایی که بریدن حاشیه سکه ها رسمی متعارف بود، مسکوکات تومان به روزی درآمده بود که ارزش روز آنها از حدود ۱۰ فرانک فرانسه تجاوز نمی کرد. قران نقره پس از آن که در ۱۸۵۷ از وزن آن کاسته شد، رسماً مبلغی معادل بیش از یک فرانک فرانسه

قیمت گذاری شد. پشان هنگامی که نمونه هایی از سکه های ضرب ولایات را آب می کرد متوجه شد که عیار آنها هشتاد و چهار درصد بیش نیست و لهذا پیشنهاد کرد که وزن سکه ها تا پنج گرم و عیار آنها تا نود درصد افزایش یابد تا قران با فرانک فرانسه همتراز شود.^{۶۲}

تنها تعداد معدودی از این مسکوکات ضرب شد و طولی نکشید که در این مورد نیز میان پشان و مقامات ایرانی اختلاف نظرهایی پیش آمد. مشکل اصلی در ضرب مجدد سکه های نقره رایج بود. ظاهراً هیچ کس حاضر نبود ضرر حاصل از ضرب مجدد بسیاری از سکه های رایج را به سکه هایی با عیار و وزن بالاتر، که تخمین زده می شد زبانی معادل ۲۵ درصد را به بار آورد، متقبل گردد.^{۶۳} لهذا از پشان نیز می خواستند که سکه های مزبور را به همان صورتی که بود از نو ضرب کند. استدلال آنها بر این بود که ضرب سکه های پرارزش تر جدید فقط باعث آن می شد که مسکوکات مورد بحث مطابق با قانون گرشام از کشور خارج شوند. پشان پس از وشته مشورت هایی با وزیر مالیه دولت اطریش که با چنین اقدامی کاملاً مخالف بود، زیر بار نرفت. میرزا علی خان امین الدوله نیز که با چنین طرحی نمی توانست موافقت کند، رسماً از تصدی ضربخانه استعفا کرد. امین السلطان و حاج محمد حسن اصفهانی هم از فرصت استفاده کرده به شاه پیشنهاد کردند که در صورت موافقت وی با ترتیبات مورد نظرشان، سالی ۲۵،۰۰۰ تومان بر عایدات او از ضربخانه بیافزایند.^{۶۴} در نتیجه شاه با نظارت حاج محمد حسن (امین الضرب) بر ضربخانه موافقت کرد. موقعیت پشان، پس از استعفای امین الدوله بسیار دشوار شد. انتشار مقاله ای در انتقاد از تحولات اخیر ضربخانه در یکی از جراید اطریش نیز که به پشان نسبت داده شد بر دشواری وضع افزود و وی مجبور شد، نگارش چنین مقاله ای را تکذیب



کند.^{۶۵} در این میان به وی تهمت تقلب نیز زده شد. و هنگامی که امین السلطان همراه با گروهی نظامی مسلح ضرابخانه را متصرف شد و پشان را مورد بازخواست قرار داد، اختلافات مزبور به اوج رسید.^{۶۶} اگر چه در پی مداخله سفارت اطریش این مسائل فروکش کرد ولی مخالفان او به اهداف خود دست یافته بودند؛ پشان وادار به استعفا و ترک ایران شد. او در ۱۸۷۹، یعنی چهارسال بعد از آن که به خدمت دولت ایران درآمده بود، به اطریش بازگشت.^{۶۷}

ضرابخانه جدید دولتی، پس از مراجعت پشان نیز به ضرب سکه های نقره ادامه داد، هرچند سکه هایی که بیست درصد از ارزش اسمی خود کم ارزش تر بودند. در سال ۱۸۸۰ تعدادی مسکوکات پنج شاهی نقره ضرب شد که بجای ۱.۲۵ گرم وزن قانونی خود، بین ۱.۱۰ تا ۱.۲۰ گرم وزن داشتند.^{۶۸} تفاوت های موجود میان ارزش واقعی و ارزش مبادله ای مسکوکات کماکان ادامه یافت. اگر قیمت جهانی نقره ثابت می ماند، شاید که مشکلی نیز پیش نمی آمد. ولی چنین نشد و در فاصله سال های ۱۸۸۲ تا ۱۸۸۹ بیش از یک سوم ارزش قران از دست رفت. در نتیجه یکی دیگر از اهداف اصلاحات مالی نیز که ایجاد یک نسبت ثابت میان مسکوکات طلا و نقره بود، تأمین نشد.^{۶۹}

مقاطععه ضرب مسکوکات نیز پایان نیافت. حاج محمدحسن امین الضرب برای مدتی از کار برکنار شد ولی در ۱۸۸۳ بار دیگر امور ضرابخانه را در اختیار گرفت. روابط نزدیک حاج امین الضرب با امین السلطان و پس از فوت او، با پسر و جانشینش میرزا علی اصغرخان همچنان ادامه یافت. چنین شایع بود که میرزا علی اصغرخان نیز سالانه مبلغی معادل ۲۰۰۰۰۰ تومان از قبل ضرابخانه عایدات دارد.^{۷۰}

در سال های نخست دهه ۱۸۹۰ هنوز نتیجه لازم از اصلاحات مالی حاصل نشده و عرصه پول ثبات لازم برقرار نشده بود. ژوزف واینو، مدیر بانک جدیدالتاسیس شاهنشاهی در ۱۸۹۱ نوشت: «تردید نیست که وضعیت پولی از ۱۸۷۷ بهبود نیافته است؛ زیرا سکه های سنگین تر قبلی از نو ضرب شده و سکه هایی نیز که ارزش خود را از دست داده اند، کماکان مطابق با قانون گرشام در گردش هستند.^{۷۱} در واقع وضعیت پولی تا پیش از آن که بهبودی حاصل شود، بدتر هم شد؛ در سال ۱۸۹۳ شاه حاضر شد در مقابل دریافت ۵۰۰۰۰۰ تومان و وعده ۱۲۰۰۰۰۰ تومان عایدات سالانه، با مقاطعه ضرابخانه به نصر السلطنه موافقت کند. حاصل کار نیز قاجعه بار بود زیرا متصدی جدید ضرابخانه برای آن که از عهده جبران این مخارج برآید، چنان عیار مسکوکات جدید را دستکاری کرد که در عرض مدت زمانی کوتاه، کل بازار را پول سیاه فرا گرفت.^{۷۲} در این میان مخارج ضرب سکه نیز از ۱/۷۵ درصد در ۱۸۹۳ به ۶ درصد در ۱۸۹۴ افزایش یافت.^{۷۳} کیفیت مسکوکات رایج تا بدان حد تنزل کرد که چنین وضعیتی حتی در دوران فتحعلیشاه نیز سابقه نداشت. اکثر سکه ها ضرب صحیحی نخورده بودند و ضخامت متغیری داشتند و معمولاً حدود ۲۵ درصد از بهای اسمی خود کم ارزشتر بودند.^{۷۴} تردید نیست که نابسامانی های حاصل از این وضعیت در پیدایش دشواری های اقتصادی و

اجتماعی ای که چندی بعد زمینه انقلاب مشروطه را فراهم ساخت، نقشی مؤثر داشته است.

نتیجه گیری

ضرب ماشینی مسکوکات در دوره ای از تحولات تاریخی وارد ایران شد که همزمان با مسائل اقتصادی (و به ویژه پولی) ایران، تلاش گسترده تری نیز از سال های دهه ۱۸۶۰ برای اصلاح امور آغاز شده بود. در توضیح علل تأخیر حاصله در رواج ضرب ماشینی سکه در ایران، در مقایسه با بسیاری از دیگر کشورهای خاورمیانه، تعدادی از عوامل ناشی از شرایط زیست و همچنین وضعیت تاریخی مورد بحث قرار گرفته است. نارسایی شبکه های ارتباطی نظیر به موقعیت جغرافیایی کشور، ارتباط نسبتاً محدود ایران و اروپا تا پیش از سال های میانی قرن نوزدهم و از همه مهمتر پایه های سست و ضعیف اقتدار قاجاریه در بسیاری از ادوار حکمروایی آنها از جمله عواملی است که در این زمینه مورد اشاره قرار گرفته اند. مع هذا گذشته از این عوامل باید مقاومت برخی از مقامات که مزایای نهفته در شیوه جدید ضرب سکه را نیز متوجه نشدند، در کنار این عوامل در نظر آورد. کارایی و سرعت حیرت انگیز شیوه های سنتی ضرب سکه که در گزارش فلور از ضربخانه کرمان منعکس شده، باید تا حدودی جذابیت اخذ شیوه های ماشینی ضرب سکه را تحت الشعاع قرار داده باشد. ولی مخالفت اساسی را کسانی ابراز کردند که در شیوه های سنتی ضرب سکه ذی نفع بودند. کسانی که ضرب سکه را به مقاطعه می گرفتند و از ضرب مسکوکات که معمولاً با تقلب هم توأم بود، سود هنگفتی می بردند.

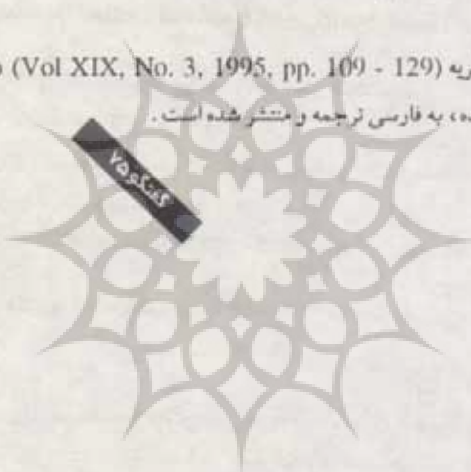
آن گروه از کشورهای اروپایی که مدت ها پیش از ایران به ضرب ماشینی مسکوکات روی آوردند نیز این نوآوری با دشواری هایی مشابه آنچه ایران در پیش روی یافت، روبرو شدند. دولت ها بنا به دلایلی چون مخارج بیشتری که (در مراحل اولیه) مستلزم نوآوری بود یا از آن جهت که مزایای کار فوراً خود را نشان نمی داد، در اتخاذ شیوه های جدید تردید نشان می دادند. در اروپا نیز آنهایی که از طریق نظارت بر شیوه های سنتی ضرب سکه از تراق می کردند، با ماشینی شدن کار مخالف بودند ولی در آخر در آنجا نیز اصلاح و نوآوری فائق آمد.

تردید نیست که ایران عصر قاجار از لحاظ هواداران کارآ و پرتوان اصلاحات کم نداشت. شخصیت هایی چون میرزا ملکم خان، امیر نظام گروسی، میرزا علی خان امین الدوله و میرزا حسین خان سپهسالار با سعی و تلاش وافری در راه بسط و رواج نوآوری های غربی و شبه غربی کوشش می کردند. ولی آنها حریف ایستایی ساختارهای سنتی و منافع نهفته در آن، نبودند. نوآوری هایی که جریان گرفت کار کرد بنیانی نظامی سیاسی را زیرسئوال برد که بازیگران عمده آن از طریق یک شبکه پیچیده کنترل و وابستگی که بر اساس قدرت، امتیاز و منفعت عمل می کرد، دست در دست یکدیگر داشتند. اعطای امتیاز ضرب سکه و الغای آن نه فقط برای شاه ممر عایدات، که وسیله حفظ و اعمال اقتدارش بر مقامات مرکزی و ایالتی کشور نیز محسوب می شد. اصلاحات تمرکز گرایانه

که اصولاً با توجه به فضای تمرکز گریز ایران امر دشواری بود، تنها در صورتی می توانست زمینه تحقق یابد که شخص شاه - منظر قدرت و مشروعیت وقت - از آن حمایت می کرد. ناصرالدین شاه که طبیعتاً طماع، همیشه بی پول و اصولاً پیرو راه و رسم سنتی مملکتداری بود، در مقابل وسوسه شیوه های سنتی مالیه تاب نیاورده، عرصه را به دست کسانی سپرد همچون امین السلطان و امین الضرب و در نتیجه برنامه اصلاحات را نیز درهم ریخت. این واقعه خود بازتابی بود از تضادهای نهفته در کل اصلاح نظام ضرب سکه؛ در حالی که مقامات قاجار به یک نظام مدرن ضرب سکه روی خوش نشان نمی دادند، به هیچ وجه مایل نبوده، یا نمی دانستند که اتخاذ چنین شیوه هایی مستلزم دست شستن از روش هایی بود که مبانی یک نظام سنتی محسوب می شد.

* این مقاله نخست در نشریه (Vol XIX, No. 3, 1995, pp. 109 - 129) Itinerario منتشر

شده است که در اینجا با اجازه نویسنده، به فارسی ترجمه و منتشر شده است.



یادداشت ها:

۱) برای آگاهی بیشتر بنگرید به:

فریدون آدمیت: امیر کبیر و ایران (چاپ سوم، تهران ۱۳۳۸) و همیشه ترقی و حکومت قانونی عصر سیهسالار (تهران، ۱۳۵۱)

Hamid Algar, *Mirza Malkum Khan: A Biographical Study in Iranian Modernism* (Berkeley 1973); Shaul Bakhash, *Iran: Bureaucracy and Reform under the Qajars: 1858-1896* (London 1978); Guity Nashat, *The Origins of Modern Reform in Iran, 1870-80* (Urbana IL, 1982); and Anja Pistor-Hatam, *Iran und die Reformbewegung im Osmanioschen Reich: Persische Staatsmaenner, Reisende und Oppositionelle under dem Einfluss der Tanzimat* (Berlin 1992).

2) Halil Sahillioglu, 'The Introduction of Machinery in the Ottomon Mint' in: Ekmeleddin Ihsanoglu ed., *Transfer of Modern Science & Technology to the Muslim World* (Istanbul 1992) 261-281.

3) Anon. [G. van Ernst], 'Reformen auf dem Gebiet des Post- und Muenzwesen in Persien', *Oesterreichische Monatschrift fuer den Orient* 1 (1875) 107

4) Ibid.

5) William Bittlebank, *Persia During the Famine: A Narrative of a Tour in the East and of the Journey Out and Home* (London 1873) 143.

6) Ernest Aysoghe Floyer, *Unexplored Baluchistan* (London 1872) 323.

احتمالا تعداد سکه هایی که با این روش در دقیقه ضرب می شدند غیر قابل باور به نظر می آید. اما روایت فلویور با در نظر داشتن این امر که گزارشی مربوط به نیمه قرن نوزدهم از شهر نیمک در ایالت شمال غربی هند در دست است که از ضرب چهل روبیه در دقیقه با روش ضرب دستی حکایت، معتبر می شود.
ن. کدیه:

Jyoti Rai, 'Unidentified Sikh Mints: Proof of the Existence of the Mint at Nimak', *Oriental Numismatic Society Newsletter* 143 (1995) 15.

برای توصیف وضعیت ضربخانه بمبئی در اواخر قرن هجدهم، رجوع کنید به:

F.K. Viccajee, *Notes on the Hand Minting of Coins of India* (Bombay 1912) 20-22.

با سیاس از مایکل بیتز که توجه مرا به این دو منبع جلب نمود.

ن. کدیه: اهمیت، امیرکبیر، ص ۱۷۰.

۸) با سیاس از دکتر لوئیس ایلینس که مرا به این موضوع آگاه ساخته و تعدادی نمونه های موجود در مجموعه ذیل را به نگارنده نشان داد.

Forschungsstelle fuer Islamische Numismatik am Orientalischen Seminar,
Tuebingen.

۹) به عنوان مثال ن. کد به قطعه شماره ۲۴۳/۱۸۹۶ در بخش مسکوکات موزه Bode در برلن.

10) [Van Ernst], 'Reformen', 107.

شاهدی عینی از ضربخانه بارفروش (امل امروزی - با ضرب طبرستان بر روی سکه ها) خاطر نشان ساخته است که در سال ۱۸۶۰ واژه 'یناه آباد' که بر سکه ها ضرب می شد، خیلی کم رنگ می نمود معنوع اصلاح گشت که می توان نتیجه گرفت که کنترلی مرکزی بر ضرب سکه وجود داشت. ن. کد به:

G. Melgunof, *Das suedliche Ufer des Kaspischen Meeres oder die Nordprovinzen Persiens* (trans. from Russian; Leipzig 1868) 187.

نویسنده مذکور توضیحاتی درباره ضربخانه کربان می دهد که با وجود تفاوتی با توصیف فلویور، حساسی از وضعیتی بیش مدرن است.

11) S. Simmons, 'The Evolution of Persia's Monetary System between Safavid Power's Consolidation in 1502 and the Employing of Belgian Mint Management Experts in 1901' (Ph.D. dissertation, University of Cambridge; 1977) 107-109.

12) Watson (camp near Tehran) to Alison (London) 5 July 1864, Public Record Office - London (PRO), FO 248/218; and Augustus M. Mounsey, *A Journey through the Caucasus and the Interior of Persia* (London 1872) 321.

به گفته استیون البوم آن بخش از سکه های دوره قاجار که حاشیه های آنها قیچی شده به ندرت در تجارت مسکوکات عتیقه به چشم می خورد، البته به استثنای سکه هایی که در داخل جواهر آلات به کار گرفته شده است.

13) G. van Ernst, 'Zur Muenzreform in Persien', *Oesterreichische Monatschrift fuer den Orient* 4 (1878) 106.

14) Heinrich Brugsch, *Reise durch k. preussischen Gesandtschaft nach Persien, 1860 und 1861 II* (Leipzig 1862) 330ff.; and Edward Eastwick, *Journal of a Diplomat's Three Years' Residence in Persia I* (London 1864) 288ff.

15) 'Report by Keith Abbott on the Trade and Commerce of Tabreez for the Year 1866' in: Abbas Amanat ed., *Cities and Trade: Consul Abbott on the Economy and Society of Iran 1847-1866* (London 1983) 245.

16) See John D. Gurney, 'The Transformation of Tehran in the Later Nineteenth Century' in: Chahryar Adle and Bernard Hourcade eds, *Téhéran capitale bicentenaire* (Paris and Tehran 1992) 64.

17) Bakhash, *Iran: Monarchy, Bureaucracy & Reform*, 9.

18) Eteocle Lorini, *La Persia economica contemporanea e la sue question monetaria* (repr.; Tehran 1976) 297 and 299.

19) Dickson (Gulhak) to Alison (London) 3 July 1865, PRO, FO248/218.

20) Watson (camp near Tehran) to Alison (London) 5 July 1864, PRO, FO248/218.

21) Bon. Fernand du Charmel (campement de Tedjrich - Tajrish) to Paris 20 September 1869, Archives du Ministère des Affaires Etrangères-Paris (MAE), correspondance politique, Perse 35, ff. 85v-86.

نام داوس در آرشیو ضرابخانه پاریس به چشم نمی‌خورد. البته مراجعه به ضرابخانه های رومن و استراسبورگ مقدور نبود.

۲۲) شرکت Cail که در ۱۸۵۰ توسط ژان فرانسوا کیل تأسیس شد، سازنده لوکوموتیو، تجهیزات راه آهن، ماشین آلات صنعتی و از ۱۸۷۰ به بعد، تسلیحات نظامی برای دولت فرانسه بود. این شرکت دارای ۲۵۰۰ کارگر در پاریس و گرزل، و بیش از ۲۰۰۰ کارگر در شعب خود در بلژیک، هلند و شمال فرانسه بود. علاوه بر آن شرکت از شعبی در روسیه، گوادلوپ، مارتینیک، جزایر و گویا برخوردار بود. ریکه به:

Dictionnaire de Biographie Francaise (Paris 1954) fasc. xxxvii, 840-841.

نگارنده موفق به دستیابی به هیچ اطلاعاتی درباره دو شرکت دیگر نشد.

23) Fernand du Charmel (Tajrish) to Paris 20 September 1869, MEA, correspondance politique, Perse 35, f. 86.

24) Watson (camp near Tehran) to Alison (London) 5 July 1864, PRO, FO248/218.

۲۵) مصاحبه شخصی با آقای دارنيس مدير آرشیوها سکه های پاریس به تاریخ ۲۲ ژوئن ۱۹۹۵.

26) Jean Marie Darnis, *La Monnaie de Paris: Sa création et son histoire du Consulat et de l'Empire a la Restauration (1795-1826)* (Levallois 1988) 192-194, 199.

27) See Denis R. Cooper, *The Art and Craft of Coinmaking: A History of Minting Technology* (London 1988) 131-147.

28) E.C. de Croizier, *Les intérêts des européens en Asie: La Parse et les Persans; Nasreddin Schah: Le nouvel Iran et l'équilibre asiatique* (Paris 1873) 55ff.

29) Massoud Farnoud, 'Rapports entre l'Iran et l'Europe: Les conseillers européens en Iran au XIXe siècle' (unpublished thesis, Université de Picardie, 1982) 352.

30) Ernest Menault, 'La Perse: Son commerce et son agriculture', *Le Moniteur Universel* (8 March 1860) 353. For Hassan Ali Khan also see Jules Tieuery, *La Perse et la Normandie: Documents pour servir à l'histoire des relations entre la France et la Perse* (Evreux 1866) 37-42.

31) H.L. Rabino di Borgomale, *Coinc Medals and Seals of the Shahs of Iran 1500-1941* (Hertfors 1945) 188.

در این منبع از سال های ۱۸۶۷ و ۱۸۷۰ به عنوان تاریخ های احتمالی بازگشت داوس یاد می شود.

32) Fernand du Charmel (Tajrish) to Paris 20 September 1869, MEA, correspondance politique, Perse 35, f. 86v.

33) Nashat, *Origins of Modern Reform*, 24.

۳۴) دوست علی خان مقام معیرالممالک را از بندر خود به ارث برد در سال ۱۸۶۶ جانشین وی شد. سپس در سال ۱۸۷۱، یسر دوست علی خان به نام دوست محمدخان این مقام را به ارث برد. رک. به: Massignac (Tehran) to Paris 4 July and 4 August 1866, MAE, corr. pol., Perse 34, ff 49 and 65v.

حسین قای خان شقایق (به کوشش)، *خطوات ممنتحن الدوله، تهران، ۱۲۵۳، ص ۱۰۵.*
۳۵- میرزاعلی خان امین الدوله، *خطوات میرزا علی خان امین الدوله، به کوشش حافظ فرمائرفرمایان، تهران، ۱۳۴۱، ص ۵۸.*

36) Mounsey, *A Journey through the Caucasus*, 321-325.

37) N. von Seidlitz, 'Handel und Wandel an der kaspischen südküste', *Millheilungen aus Justus Perthes' geographischer Anstalt über wichtige neue Forschungen auf dem Gesamtgebiete der Geographie von Dr. A. Petermann* 15 (1869) 256.

38) Helmut Staby, *Bindenschild und Sonnenlöwe: Die Geschichte der österreichisch-iranischen Beziehungen bis zur Gegenwart* (Graz 1982) 136-137.

۳۹) روزنامه رسمی قاجار در مارس ۱۸۷۰ اعلام نمود که دستور انتقال ماشین آلات ضرب به بساخت بر روی درشکه، صادر شده است. نگاه کنید به: روزنامه علیه دولتی ایران (۱۰ ذیحجه ۱۲۸۶) (تهران، ۱۳۷۲) - ۱۲۰۷.

40) [Van Ernst], 'Reforme', 107.

نماینده فرانسه در ایران در سال ۱۸۷۶ صادرات سالیانه ایران را ۲۰ میلیون فرانک و واردات آنرا ۴۶ میلیون تخمین می زند. نگاه کنید به:

De Balloy (Tehran) to Decazes (Paris) 1 February 1876, MAE, corr. Pol., Perse 37, F. 381. The outflow of silver money to Europe was temporarily halted in the 1860s when, due to the American Civil War, a great demand developed for Iranian cotton.

41) P.W. Avery and J.B. Simmons, 'Persia on a Cross of Silver, 1880-1890' in: Elic Kedourie and Sylvia G. Haim eds, **Towards a Modern Iran: Studies in Thought, Politics and Society** (London 1980) 2-3.

42) Arthur Arnold, **Through Persia by Caravan** (New York 1877) 135. for the adulteration of silver with lead, tin and copper in this period, see Fernand du Charmel (Tajrish) to Paris 20 September 1869, MAF, Perse 35, f. 84v.

43) 'Lettres (anonymes) sur la situation politique et economique de la Perse (Tehran)' 2 April 1867, MAF, Archives diplomatiques, affaires diverses politiques, Perse 1817-1896, Vol. 29.

۴۴) برای ممنوعیت صادرات به روسیه، ر.کنید:

Watson (camp near Tehran) to Alison (London) 5 July 1864, PRO, FO 60/309.

البته انگلیسی ها با این استدلال که این ممنوعیت از اقتدار قانونی دولت قاجار فراتر می رفت، موفق شدند از دادگاه بخواهند که حکم دولت را لغو کند، نگاه کنید به:

Alison (Tehran) to London 6 march 1867, *ibid*.

45) See Bakhsh, **Iran: Monarchy, Bureaucracy and Reform**, 166-167.

46) Nasir al-din Shah, **The Diary of H.M. the Shah of Persia during his Tour through Europe in A.D. 1873** (trans. from the Persian; London 1874) 55-56.

47) Slaby, **Bindenschild**, 122.

48) *Ibid.*, 130.

49) *Ibid.*, 96-97.

50) Neue Freie Presse (Vienna 10 March 1879); Anon. [G. Ritter von Riederer], **Aus Persien: Aufzeichnungen eines Oesterreichers, der 40 Monate im Reiche der Sonne gelebt und gewirkt hat** (Vienna 1882) 149;

امین الدوله، پیشین، ص ۵۸.

51) Slaby, **Bindenschild**, 130, 135-136;

امین الدوله، پیشین، ص ۶۹. منابع اروپایی اشاره ای به خرید قطعات بزرگی توسط میرزاعلی خان ندارند. شاید میرزاعلی خان همان افسری است که آرنولد با او آشنا شده و ادعا می کند که یک دستگاه ضرب به هزینه خود از پاریس به تهران فرستاد. بنا به گفته همین منبع خان با کمک همین [...] چند نمونه سکه به شاه ارائه داده و به حکاکی اطریشی ها اشاره کرده بود. بدین ترتیب شاه به او دستور ادامه تولید داده و هم اکنون قرآن ها و سکه های نقره ای جدید به چشم می خوردند. نگاه کنید به:

Arnold, **Through Persia**, 135.

52) [Von Riederer], **Aus Persien**, 150;

امین الدوله، پیشین، ص ۵۹.

53) Arnold, **Through Persia**, 135.

54) J. Karabacek, 'persische Jubiläum-Medailen', **Numismatische Zeitschrift** 9 (1877) 259.

55) See Van Ernst, 'zur Münzreform'.

به گفته استیون آرنولد (نامه شخصی مورخ ۲۸ اگوست ۱۹۹۵) قالب های مربوط به این سکه ها فقط می توانستند تولید اروپا باشند. سکه های بازسازی شده در کاتالوگ زیر قابل رویت هستند:

Reginald Stuart Poole, *The Coins of the Shahs of Persia: Safavis, Afghans, Efsharis, Zands and Kajars* (London 1887) p. 202: 20. 628- plate XVI; p. 208: no. 646-plate 16.

56) Karabacek, 'Persische Jubiläum-Medaillen', 259-260. The silver medal in plate three also figures in H.L. Rabino di Borgomale, *Allnim of Coins, Medals and Seals of the Shahs of Iran (1500-1941)* (Oxford 1951) no. 48 on plate 44.

۵۷) ادامه کار میرزااحسین خان مثال خوبی است: بدنبال ابقاء تقریبی او در مقام وزیر جنگ و امور خارجه، میرزااحسین خان هیچگاه نتوانست ابتکار عمل را در اصلاح طلبی بدست گیرد و کم کم دارای همان

رفتاری شد که خود از آن انتقاد می کرد. در ۱۸۷۸ برخی از قدرت ها از او گرفته شد و در ۱۸۸۰ از کلیه مسئولیت هایش عزل شد. ن. کدبه:

Bakhash, Iran, Monarchy, Bureaucracy and Reform, 173.

۵۸) امین الدوله، خاطرات، ص ۶۹.

60) [Von Riederer], *Aus Persien*, 150-151.

61) Souhaye (Tehran) to Freycinct (Paris) 6 October 1885, MAF, corr. pol. Perse 39, f. 380v.

62) Van Ernst, 'Zur Münzerform', 106.

63) See De Balloy (Tehran) to Decazes (Paris) 27 Februry 1876, MAE, corr. Pol., Perse 37, f. 394v.

64) Rabino di Borgomale, *Coins, Medals, and Seals*, 19, and

خسرو معتضد، حاج امین الضرب: تاریخ تجارت و سرمایه گذاری صنعتی در ایران، ص ۵۷۸

۶۵) مقاله مربوط احتمالاً مقاله ای است که در نشریه ذیل به چاپ رسیده است:

Neue Freie Presse on 10 March 1879; cf. note 50.

66) See *Neue Freie Presse* (6 March 1879).

67) Rabino di Borgomale, *Coins, Medals and Seals*, 151; and Slaby, *Bindenschild*, 139.

68) *Berliner Münzblätter* 1/3 (May 1880) 130: no. 30.

69) *Administration des monnaies et medailles: Rapport au Ministre des Finances, Première année* (Paris 1896) 203.

70) Mu'tazid, *Hajj Amin al-Zarb*, 579.

71) JOSEPH RABINO, 'Banking in Persia' in: Charles Issawi ed., *The Economic History of Iran* (Chicago 1971) 354.

72) See *Bakhash, Iran, Monarchy, Bureaucracy and Reform*, 271.

مشکل از این نیز بیچده تر شد، هنگامیکه سرپرست ضرابخانه موظف شد که در جریان هر بازدید سالیانه مبلغ ۸۰۰۰ فرانک (حدود ۸۵۰ تومان) به عنوان هدیه به شاه و مبلغی مشابه به وزیراعظم اهدا کند.

Jane Dieulafoy, Spink and Son's Monthly Numismatic Circular 5 (1897)
2262.

73) See 'Report on the Possibility of the Reform of the Currency in Persia'
(Tehran 19 June 1894), PRO, FO 248/586, Rabino di Borgomale.

74) Stephen Abum, Personal letter (28 August 1995)

۱۱۳۳۵



شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني